

ربا یکی از علل برده‌داری^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در این جلسه بحث ربا را پی می‌گیریم. گفتیم که راجع به ربا بحثی تاریخی وجود دارد که آن ارتباط زیادی به بحث فعلی ما ندارد؛ همچنین عامل پیدایش ربا و ارتباط آن با بردگی و وضع آن در ملت‌ها نیز هر کدام بحث جداگانه‌ای است. در ژم باستان، که قانونش تا اندازه‌ای روشن است، ربا قانونی بوده و صور مختلفی داشته است. یکی از منشأهای بردگی و بندگی در دنیای قدیم همین ربا بوده است که اگر بدهکار سر موعد بدهی خود را نمی‌پرداخت، طلبکار حق برده کردن و حتی کشتن او را داشت!

ربای اضعاف مضاعف در عربستان و نظریه قرآن

در عربستان، ربای معمول ربای اضعاف مضاعف بوده است. و در شهرها بیشتر یهودیان بودند که رباخواری می‌کرده‌اند و چون مکه مهم‌ترین شهر شبه جزیره عربستان بود، ربا در آنجا بیشتر رواج داشت و در مدینه کمتر رایج بود. سرمایه سرمایه‌داران عرب هم از همین راه فراهم می‌آمد. از این جهت، آیات تحریم ربا در مرکز رباخواری عرب، یعنی مکه، نازل شد.

بحث‌های گذشته ما را به این نتیجه می‌رساند که قرآن ربا را به حدود و شرایطی منحصر و معین نمی‌کند. و دیگر اینکه بیع با ربا فرق دارد و قرآن به این موضوع اشاره می‌کند: **«ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا آتَيْنِعُ مِثْلَ أَرْبَابٍ وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ أَرْبَابًا»**.^۱ اینکه در قرآن

۱. ایرادشده در سه‌شنبه مورخ ۱۳۴۳/۱۰/۸ ش.

۲. «این بدان سبب است که آنان گفتند: داد و ستد صرفاً مانند رباست. و حال آنکه خدا داد و ستد را حلال، و ربا را حرام گردانیده است». بقره (۲)، ۲۷۵.

ربا به شرایط و حدودی منحصر نشده، با آنکه از جهت فهم این حکم لازم بوده است، حاکی است از آنکه این امر از بخش‌های قابل‌تطور احکام قرآن است، مثل نماز و زکات و مانند آن‌ها. به هر حال، اگر بخواهیم حدود ربا را از متن قرآن بفهمیم، باید به وضع محیط و ربای شایع در آن محیط نظر بیاندازیم، که قرآن هم به همین نکته نظر دارد و نیز باید در معنی کلمه ربا دقت کنیم.

در زمان نزول وحی، ربای شایع همان قرض بوده است و ربا پولی بوده است نه جنسی؛ و به عنوان قرض داده می‌شده است. بعد ربح روی اصل سرمایه می‌آمده اضعاف مضاعف می‌شده است. از این جهت بعضی گفته‌اند که ربای حرام را باید منحصر به ربای قرض دانست. اما بسیاری از فقهای اسلام، با توجه به سنت، ربا را منحصر به ربای قرض نمی‌دانند. اما آن سنتی که می‌گویند با ظاهر آیات قرآن خیلی تطبیق نمی‌کند، چه سنت آن را توسعه داده است. ظاهراً حکم قرآن مربوط به ربای آن عهد بوده است.

پیامبر (ص)، شارع مستقل از وحی نیست

می‌دانیم که پیغمبر حق تشریح نداشته است. به عقیده ما شارع خداست، نه پیغمبر (ص). ولی پیغمبر می‌تواند حدود را معین کند. مانند طرز نماز خواندن، تشریح الهی است، ولی کیفیت خواندن آن را سنت بیان کرده است. پیامبر (ص) این سنت را مسلماً من عندی نگفته بلکه یقیناً الهامی بوده است. خود فرموده است که «إِنَّ رُوحَ الْقُدْسِ نَفَخَ فِي رُوعِي»^۱.

تفاوت ربح با ربا

چنان‌که گفتیم، کلمه «ربا» که در قرآن آمده است از «ربا یربو» است. و «ربا» یعنی باد کرد، بزرگ شد، نمو کرد. بنابراین، از همین معنی می‌توان دریافت که ربا با «ربح» فرق دارد. ربح سودی است که به سرمایه اضافه می‌شود، ولی ربا خودش نمو می‌کند و اضافه می‌شود. در عربی، به تپهای که خود بالا آمده است «زبوه» می‌گویند. یا «زَبْدًا رَابِيًا» به کفی گفته می‌شود که خود بالا آمده است. در سوره «روم» می‌فرماید: «وَمَا آتَيْنُم مِّن رَّبَّا لِيَرْثُوهُا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْثُوهُا عِنْدَ اللَّهِ...»^۲. یعنی رباهایی که می‌دهید تا از مال مردم نمو کند

۱. «همانا روح القدس در دل من دمیده است». مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، همان، ج ۱۰۳، باب الاجمال فی

الطلب، ص ۳۰، حدیث ۵۶: «قال رسول الله (ص): يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ نَفَخَ فِي رُوعِي رُوحَ الْقُدْسِ...»

۲. «و آنچه [به قصد] ربا می‌دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بردارد، نزد خدا فروزی نمی‌گیرد». روم (۳۰)، ۳۹.

در پیشگاه خدا نمو نمی‌کند. در هر حال، به حسب نظریات مختلف، سود یا محصول سرمایه است یا محصول کار، و چیزی جز این نیست. به عقیده اقتصاددانان نظام سرمایه‌داری، مال از هر جا آمده باشد مشروع است و باید آن را به جریان انداخت. سرمایه نیروی کارگر را به کار می‌اندازد، یعنی سرمایه خود به کار تبدیل می‌شود و از آن سود به دست می‌آید. سرمایه تبدیل به عمل می‌شود و عمل دوباره به سرمایه بدل می‌گردد. پس، سرمایه محصول عمل است؛ مانند مازاد مزد کارگر که سرمایه‌ای را به کار می‌اندازد و باز آن تبدیل به عمل می‌شود. از هر طرف که حساب کنیم، نتیجه عمل فکری یا ذهنی یا بدنی است که تبدیل به سود شده. حال چقدر از آن مشروع است و چقدر نیست، کار نداریم. این را «ربح» می‌گویند که غیر از ربا است. گفتیم که ربا این است که خود پول، بنفسه شروع به باد کردن و بالا آمدن کند. از این معنای لغوی میزانی به دست ما می‌آید که بدانیم منظور قرآن از ربا چیست. بنابراین اگر تنها از نظر شأن نزول حساب کنیم، مقصود فقط ربای ذین و قرض است که تحریم شده. پس چه بگوییم سخنان پیامبر و ائمه در این باب الهامی بوده است و چه بگوییم از قرآن استنباط کرده‌اند، به هر حال ربای گفته‌شده در قرآن در این حد نبوده، بلکه آن را توسعه داده‌اند.

ربا در پول و جنس

می‌توان گفت ربای اصلی و خالص همان ربای پولی است که بدون کار و عملی، ربح و سود می‌دهد. ربای معامله‌ای یا بیعی با سنت قطعاً تحریم شده است، چون از آن ربای اصلی حمایت می‌کند و خود هم جنبه ربوی دارد. فقهای اسلام می‌گویند دو جنسی که با هم از یک نوع باشند، مثل غلات که همه از یک نوع هستند، دو جور کالا، که از یک نوع و مکیل و موزون هم باشند، در معاوضات نقدی و یا نسیه‌ای نمی‌توان چیزی اضافی گرفت. این حکم شامل کالاهای مکیل و موزون از ارزاق عمومی مردم است که آن‌ها را یا با کاسه کیل می‌کنند یا با ترازو می‌سنجند، اگرچه آن دو جور کالا از حیث مرغوبیت با یکدیگر اختلاف داشته باشند. اما کالاهایی که با عدد معاوضه می‌شود از شمول این حکم خارج است. بنابراین تنها در چیزهای با ارزش مکیل و موزون، ربا حرام است. به طور کلی، در کالاهایی از یک نوع و ارزش نمی‌توان چیزی اضافی گرفت. دو جنس مکیل و موزون را نه نقداً می‌توان معاوضه کرد نه به شکل نسیه. این معاوضه ربای معامله است، و آن هم ربای قرض که هر دو مسلماً حرام‌اند.

